



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۱/۱۶

عزیز کهگدای

## دو شهزاده بافضیلت و هنرپرور (قسمت ۲۶) یادداشت های مرحوم حافظ نورمحمد کهگدای

شاه رخ میرزا: شاه رخ میرزا چهارمین پسر تیمورجهانکشا که در ۷۶۹ ق تولد گردیده است، خبرتولد پسرش به پدرهنگامی رسید که تیمور سرگرم بازی شطرنج بود که با مهره «شاه» حریف خود را بحرکت «رخ» مات کرده بود بهمین مناسبت طفل نوزاد را «شاه رخ» نامیده وگفت: برای اینکه تولد این فرزند بیادگار بازی شطرنج من باشد او را شاه رخ بگذارند.

مادامیکه شاه رخ به سن ۲۰ سالگی رسید، پدرش او را حاکم وفرمانروای تمام خراسان زمین ساخت. او درفوت پدر ۳۸ سال عمرداشت که به تخت سلطنت تکیه زد، چون چندی نایب الحکومه هرات جنت صفات بود، آب وهوا، تهذیب وتمدن هرات در او تأثیر وبطبع شاه رخ سازگاز آمد وبجای سمرقند، هرات راپایتخت خود قرارداد. با آنکه شاه رخ درهرجنگ فاتح بود اما قصد جهان گیری را نداشت و آرزو داشت برترمیم خرابکاری های دودمان پدر بپردازد و هرات را که نسبت به سایرشهرها زیاد خرابی دیده بود، آباد کرد، دیوارهای هرات و مرو را ساخت و تا توانست در آبادی مُلک وشهرها کوشش نمود و برای تقویه معارف بیشتر زحمت کشید، چنانچه درهمه جا از احسان ونیکوکاری و فعالیت های این پادشاه هنرمند و مدنیت پرور یاد میشد.

او مرد با دانش، دیندار، بافضیلت و باعزم راسخ بود و درنده خوبی پدر را نداشت و به آرامی دولت تیموری را اداره میکرد شاه رخ پادشاهی به تمام معنی آراسته وبافضیلت بود، به مصاحبت علما، مجتهدین اهمیت فراوان قایل بود، پول زیادی راصرف زیارت ها و آثار تاریخی کرد. اوشاهی شجاع، دلیر، نیکوکار، دانشمند، معارف پرور فوق العاده دوستدار ادب و هنر بود.

هرات پایتختش کانون علماء، دانشمندان ومخصوصاً خطاطان، موسیقی دانان، کاشی سازان، شعراء، ادباء وعالمان ریاضی وغیره بود. از اینرو علم و عرفان، هنر وهنرپروران در روزگار او به درجه عالی رسیدند، چنانچه عبدالقادر مراغه یی موسیقی دان معروف، قوام الدین معمار ورزیده، مولانا خلیل نقاش چیره دست از مردان هنرمند اوبودند. دوره سلطنت او از ادوار شکوه وعظمت افغانستان بشمار میرود.

بنابرنوشته صاحب روضة الصفا، امیر تیمور، پدر شاه رخ، پسران خود را درسمرقند زن داد و برای شان درباغ بهشت سمرقند محفل را برگزارنمود و درعروسی شهزاده گان، امیر تیمور مقدارزیاد زر وسکه توزیع کرد. عروسی شاه رخ که ۱۶ساله بود با گوهرشاد بیگم دختر قرايوسف رئیس قبیله قراقونلو صورت گرفت. گوهرشاد زنی بسیار زیبا، ملیحه، با فراست، شجاع، زیرک ومدبر بود ودرمهام امورسیاسی کشور بمنزله وزیرمشاوربود. امیرتیمورهم قدم او را میمون دانسته و رأی او را درفتوحات صائب میشناخت، لذا با او بسیارعلاقه مند بود. این خانم مجلله از زنان کم نظیر جهان است

از سعادت های که نصیب شاه رخ گردید، خانمش گوهرشاد بیگم است که زن خیرخواه، نیکو کار و سیاستمدار بی نظیربود از آثاراین بانوی ورزیده ودانشمند، ابنیه وآثار بسیاری مانند مدرسه و مساجد است که مسجد گوهرشاد ازساخته های این خانم هنرپرور است که دراوائل قرن ۹ آبادشده است وتمام مصارف ومخارج این مسجد ازدارایی این ملکه جلیل القدر فراهم گشته است. این مسجد بدست استادان هنرمند وزبردست خراسان ساخته شده است که در دوره حکومت شاه رخ میرزا تأسیس گردیده است وکتیبه آنرا شهزاده بایسنقرپسرش در ۸۲۱ ق ساخت. وقتیکه مدرسه گوهرشاد تأسیس گردید، علمای جید ودانشمند به تعلیم وتدریس مقررگردیدند. این مدرسه با نفیس ترین اسلوب بنائی اعمار گردیده و برای تعمیرآن معماران، کاشی کاران، خطاطان و نقاشان ماهر را ازگوشه وکنار

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

مملکت جمع کردند. منارهای مصلاهی هرات یادگار آن مدرسه است. شاهرخ پس از ۴۲ سال حکومت در ۸۵۰ ق وفات نمود و در هرات دوست داشتنی اش دفن گردید.

**میرزا بایسنقر** : پسر شاهرخ میرزا و از شاهان دانشمند و از شهزادگان خوش طبع، هنرمند و هنرپرور بشمار میرود. او در ۷۹۹م متولد و در جوانی آثار کاردانی از او بظهور رسیده از اینرو توجه پدر را بخود جلب کرد و دائماً در امور سیاسی یگانه حامی و مددگار پدر بود. پدرش در جوانی او را بحکومت مشهد، جرجان و خوبوشان منصوب نمود، دیری نگذشت که در اثر لیاقت فراوان، شاهرخ او را به امارات کشور مقرر نمود.

بایسنقر میرزا مرد هنرمند و مدنیت پرور زبردست بود در محفل های او درباره کمال، هنر، شعر و ادب، صنعت، نقاشی، خوشنویسی، خطاطی، همه دور هم جمع و مورد تقدیر و نوازش بایسنقر قرار میگرفتند که در هیچ دوره در میان امرای قبل از او آنقدر دانشمند و هنرمند نبوده، همه هنرمندان تحت سرپرستی مولانا جعفر تبریزی بودند که خود در تحریر انواع خط و کتابت درجه کامل داشت.

بایسنقر امر کرد که هنرمندان زبده را از فارس، عراق و ماورالنهر دعوت کنند و تشویق نمایند. بنابراین در عصر این پادشاه مخصوصاً ادبیات، خط و رسامی به اوج کمال خود رسید و همه ارباب هنر از محضر آن شهزاده نیک سیرت استفاده می کردند. بایسنقر شاعر و هنرمند و از نوادر ارباب قلم است و در خطاطی استاد عصر خود بود و از مولانا شمس الدین محمد بایسنقری استاد خود تعلیم گرفت و بزبان های ترکی و فارسی شعر میسرود و در نقاشی ید طولانی داشت، خط ثلث را نیکو مینوشت، بکتاب علاقه فراوان داشت و دستگامی برای استتساخ تنظیم و تجلید کتب دائر کرد که در آن ۴۰ خطاط و نقاش به تحریر و تصویر کتاب مشغول بودند. دیباچه شاهنامه فردوسی را به خط نستعلیق بنام او در ۸۲۹ق نوشته اند که به دیبای بایسنقر معروف است. همچنین قرآن کریم خط او به بزرگی قد انسان موجود است و مهمتراز همه خطوط عالی مسجد گوهرشاد مادرش، از تشویق اوست. در هرات کتیبه مسجد جامع را او نوشت. از آثار قلمی او در مشهد در کتابخانه جامع «پیش طاق» است که از ابنیه مادرش گوهرشاد بیگم بوده و اسم بایسنقر در آن درج میباشد و نامش در تاریخ به احترام و نیکویی یاد میشود.

امیر علی شیر نوائی درباره او میگوید: «پادشاه خوش طبع، سخی و هنرپرور و در عین زمان عیاش بود و چندان خطاط و نقاش و سازنده و گوینده بینظیر به تربیت او در نشو و نما آمده اند که در زمان هیچ پادشاه معلوم نیست که پیدا شده باشند» و دولت شاهی گوید: «هنرمندان را عنایت ها کردی و شعر را دوست داشتی و در تجمل کوشیدی و ندیمان، جلسان باظرافت داشتی... شعر فارسی و ترکی را نیکو گفتی، فهمیدی و به شش قلم خط نوشتی» صاحب حبیب السیر او را چنین می ستاید: «میرزا بایسنقر پادشاهی بود جامع محاسن، شمایل و حاوی انواع مکارم و فضائل... با وجود وفور جاه و جلال و کسرت حشمت و اقبال به مجالست ارباب علم و کمال به عنایت راغب و مائل می بود، و در تعظیم و تحلیل فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال نمی نمود».

بایسنقر میرزا در ۸۳۷ ق در اثر افراط در خمر که آفت خاندان تیموری بود، درگذشت و شاهرخ در قصر «باغ سفید» شهزاده رفت و نماز گذارد و چهل روز به سوگواری پسر جوان خود مشغول بود.

پایان